

تائیه عبد الرحمن جامی

ترجمہ تائیس ابن فارض

بالضمام
شرح محمود قیسری بر تائیس ابن فارض

مقدمہ تصحیح و تحقیق
دکتر صادق خورش



نقطہ

ابن الفارض، عمر بن علی، ۵۷۶-۶۳۲ ق.

[تائیه. (فارسی)]

تائیه عبدالرحمان جامی: ترجمه تائیه ابن فارض. به انضمام شرح قیصری بر تائیه ابن فارض مقدمه، تصحیح و تحقیق صادق خورشاه. تهران: نقطه؛ دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۴.

۳۵۲ ص. نمونه. (میراث مکتوب: ۲۶؛ زبان و ادبیات فارسی: ۵)

ص.ع. به انگلیسی: TĀYYE-YE 'ABD AL-RAHMĀN JĀMĪ (The translation of TĀYYE-YE IBN FĀREZ)

With an exposition on TĀYYE-YE IBN FĀREZ by QEYSARI

کتابنامه: ص. [۳۳۹]-۳۴۲؛ همچنین به صورت زیر نویس

۱. ابن الفارض، عمر بن علی، ۵۷۶-۶۳۲ ق. تائیه-شرح. ۲. شعر عرفانی-قرن ۷ ق. ۳. شعر عربی-قرن ۷ ق. ۴. شعر عربی-قرن ۷ ق. ترجمه شده به فارسی. ۵. شعر فارسی-قرن ۹ ق. ترجمه شده از عربی. الف. جامی، عبدالرحمان بن احمد، ۸۱۷-۸۹۸ ق. مترجم. ب. قیصری، داوود بن محمود. ۷۵۱ ق. شارح. ج. خورشاه، صادق، ۱۳۳۳- مصحح. د. عنوان. ه. عنوان: تائیه ابن فارض. و. عنوان: ترجمه تائیه ابن فارض. ز. عنوان: شرح قیصری بر تائیه ابن فارض. ح. عنوان: تائیه ابن فارض. شرح.

۸۹۲/۷۱۳۲

ت ۱۵۹ الف

۱۳۷۶

PJ۸۴۲۴۴/ت۲ الف ۲۰۴۱

۱۳۷۶

برگه فهرست نویسی پیش از انتشار دفتر نشر میراث مکتوب



نقطه



تائیه عبدالرحمان جامی

ترجمه تائیه ابن فارض

به انضمام شرح قیصری بر ترجمه تائیه ابن فارض

مقدمه، تصحیح و تحقیق: دکتر صادق خورشاه

ناشر: نقطه

چاپ اول: ۱۳۷۶

تعداد: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سبز آسیا

شابک: ۹۶۴-۵۵۴۸-۴۵-۴

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است

نشر نقطه: صندوق پستی ۹۸۳-۱۳۱۸۵، تهران

این اثر زیر نظر دفتر نشر میراث مکتوب وابسته به انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

باحتیام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتشار یافته است.

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
۲۳	مقدمه
۲۳	ابن فارض «سلطان العاشقین»
۲۶	مراحل حیات فکری و سیر روحی ابن فارض
۳۴	موافقان و مخالفان ابن فارض
۳۵	جامی «خاتم الشعرا»
۴۲	ابن فارض و جامی
۵۴	نسخه شناسی کتاب
۶۵	متن کتاب
۱۴۱	ملحقات
۱۴۳	۱. شرح قیصری بر تائیه ابن فارض
۲۳۵	۲. کشف الابیات تائیه ابن فارض
۲۵۱	۳. کشف الابیات تائیه عبدالرحمان جامی
۲۶۷	فهارس
۲۶۹	۱. فهرست آیات
۲۷۳	۲. فهرست احادیث قدسی و نبوی
۲۷۷	۳. فهرست اقوال و امثال
۲۷۹	۴. فهرست شواهد شعری فارسی
۲۸۹	۵. فهرست شواهد شعری عربی
۲۹۷	۶. فهرست اماکن، قبایل، جایها و سلسله حکام
۲۹۹	۷. فهرست اعلام
۳۰۳	۸. فهرست اصطلاحات عرفانی
۳۳۱	۹. نسخه بدلهای تائیه ابن فارض
۳۳۹	۱۰. فهرست منابع
۳۴۳	ببلیوگرافیه المخطوطه

پیشگفتار

بنام خداوند جان و خرد

«ذوق دگر است این بار اشعار تو را جامی

هرگز ز نی کِلکت این زمزمه نشنیدم»

«دیوان جامی، ص ۵۱۳»

«عباراتنا شَتَّى وَ حُسْنُكَ وَاحِدٌ وَ كُلُّ إِلَى ذَاكَ الْجَمَالِ يُشِيرُ»

کتابی که اینک در پیش روی خواننده گرامی می باشد، تحقیقی است از یک نسخه خطی^۱ منحصر به فرد، و تنها ترجمه منظوم در ادبیات فارسی از تائیه کبرای شاعر نامدار عرفان ابن فارض مصری که نگارنده آن را با قراین و دلایل متعددی به عبدالرحمان جامی نسبت می دهد.

البته ما در تحقیق این نسخه با مشکلات زیادی مواجه گشتیم، از جمله منحصر به فرد بودن آن، نامشخص بودن تاریخ ترجمه منظوم و حتی کتابت و همچنین مجهول بودن ناسخ. گفتنی است که تمام کسانی که پیرامون جامی و آثار او سخنی و بحثی داشته اند، چه معاصران وی و چه تذکره نویسان، تاریخ نگاران و محققان پس از وی^۲، و چه فهرست نویسان و نقّادان امروز^۳ و حتی شاگرد بلاواسطه وی عبدالغفور

۱. این نسخه با شماره ۳۹۳ در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره نگهداری می شود.

۲. از جمله: سلطان حسین بایقرا در کتاب مجالس العشاق؛ وسام میرزا در تحفه سامی؛ و خواندمیر در جلد چهارم حبیب السیر؛

و ملاعبدالنبی در تذکره میخانه؛ و معین الدین زمجی اسفزاری در روضات الجنات فی أوصاف مدینه هرات.

۳. از جمله: ملک الشعرا بهار در سبک شناسی؛ و علی اصغر حکمت در کتاب جامی؛ و عبدالحسین زرین کوب در دو کتاب خود:

لاری^۱ نامی و نشانی از این اثر نداده‌اند.

هرچند لاری مؤلفات جامی را بدین سان ذکر می‌کند :

«... لوامع، شرح بعضی از ایبات تأثیه فارضیه، شرح قصیده خمیه فارضیه...»^۲ یعنی لوامع را که شرحی است بر خمیه ابن فارض به عنوان یک کتاب مستقل از شرح خمیه قلمداد می‌کند. و عبدالواسع نظامی باخرزی^۳ نیز که یکی از ارادتمندان جامی بوده است آثار جامی را بدین نحو یاد می‌کند :

←

ارزش میراث صوفیه و جستجو در تصوف؛ و هاشم رضی در مقدمه خود بر دیوان جامی؛ و مهدی توحیدی پور در مقدمه خود بر کتاب نفحات الانس؛ و دکتر عابدی در مقدمه خود بر نفحات الانس؛ و علینقی منزوی در فهرست نسخه‌های خطی؛ و دکتر امین عبدالمجید بدوی در القصه فی الأدب الفارسی؛ و دکتر عبدالعزیز بقوش در کتاب یوسف و زلیخای جامی؛ و نیز ادوارد براون در از سعدی تا جامی، ترجمه علی اصغر حکمت؛ و ریچارد - ن فرای در عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب نیا؛ و ویلیام چیتیک در مقدمه خود بر نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص؛ و هرمان اته در تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه دکتر رضا زاده شفق؛ و همچنین:

* Catalogue of the persian and Arabic Manuscripts In the Oriental Library at Bankieopore, Vol II. CE. D. Ross Calcutta. 1810).

* Catalogue of Persian Manuscripts in the Library of the India Office, Vol. II (H. Ethé) Oxford. 1934.

*History of Iranian Literature, John Rypka, Leyden 1968.

۱. بنگرید به تكملة حواشی نفحات الانس، بتصحيح بشير هروی، انتشارات انجمن جامی، ۱۳۴۳ ه، ص ۳۹.

۲. تكملة حواشی نفحات الانس، ص ۳۹.

۳. نظامی باخرزی، یکی از معاصران جامی که با وی بسیار مأنوس بوده، و خود جامی نیز اراده خاصی به وی داشته است. بطوری که بهارستان را پس از تألیف به وی سپرده تا آن را بازخوانی و اصلاح نماید. بنگرید به: مقدمه استاد نجیب مایل هروی بر مقامات جامی، تألیف عبدالواسع نظامی باخرزی، ص ۲۳، و متن، ص ۲۳۶.

«... رسالهٔ لوا مع... ترجمهٔ قصیدهٔ تائیه... شرح قصیدهٔ میمیه^۱...»^۲. و ناگفته پیداست که باخرزی عنوان «ترجمهٔ قصیدهٔ تائیه» را به کار برده است که خود می‌تواند دلیلی استوار بر صحت گفتار ما باشد.

البته آنچه که ما را بر آن داشت تا این ترجمهٔ منظوم را متعلق به عبدالرحمان جامی بدانیم دلایلی چند است که در مبحث نسخه‌شناسی از آنها بتفصیل سخن رانده‌ایم، و از جمله آن است که:

۱- ناسخ در آغاز نسخه در معرفی آن آورده است «هذه قصيدة تائية... نظمها أبو حفص ابن الفارض مترجمة بترجمة الشيخ عبدالرحمان الجامي».

۲- یادداشتها متعددی در پشت صفحهٔ آخر نسخه در زمینه‌های گوناگون وجود دارد که یکی از آنها صحت مدعای ما را به اثبات می‌رساند و آن یادداشت عبارت است از:

«مطلع تائیه کبری للشيخ ابن الفارض»

«سَقَتْنِي حُمَيَّا الْحُبِّ رَاحَةً مُقَلَّتِي وَكَأَسِي مُحَيَّا مَنْ عَنِ الْحُسْنِ جَلَّتْ»

«مطلع ترجمهٔ تائیه کبری لمولانا الجامي»

«خوردم شراب عشق بچشمم زطلعتی که حسن او بیان نشود با عبارتی»

که در این متن به صراحت نام «مولانا جامی» ذکر می‌گردد و مشکلی را که واژه «شیخ» در عبارت پیشین ایجاد کرده بود برطرف می‌کند زیرا که جامی همواره بنام «ملا جامی» یا

۱. این عنوان به احتمال قوی، نام دیگری از لوا مع است، هرچند ابن فارض قصاید دیگری جز خمربه با حرف روی «م» سروده است. یا اینکه احتمالاً جامی شرحی بر یکی از قصاید میمیهٔ ابن فارض نوشته و مفقود گشته است. مطالع قصاید میمیهٔ ابن فارض بدین قرار است:

الف - شَرَبْنَا عَلَى ذِكْرِ الْحَبِيبِ مُدَامَةً	سَكِرْنَا بِهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْلَقَ الْكَزَمُ
ب - أَذِرْ ذِكْرَ مَنْ أَهْوَى وَلَوْ بِمَلَامِي	فَإِنْ أَحَادِيثَ الْحَبِيبِ مُدَامِي
ج - هَلْ نَارُ لَيْلِي بَدَتْ لَيْلاً بِذِي سَلَمٍ	أَمْ بَارِقُ لَاحٍ بِالزُّورَاءِ فَالْعَلَمِ
د - نَشَرْتُ فِي مَوْكِبِ الْعُشَّاقِ أَعْلَامِي	وَكُنْ قَبْلِي بَلِي فِي الْحَبِّ أَعْلَامِي

دیوان ابن فارض، ص ۱۸۹، ۲۰۵، ۱۷۹، ۲۴۰.

۲. مقامات جامی، نظامی باخرزی، ص ۲۴۸.

«مولانا جامی» معروف بوده است.

۳- شباهتهای فراوان بین سبک نگارش این ترجمه منظوم و سبک شاخص و فاخر جامی وجود دارد. و به عنوان نمونه می‌توان غزل ملمع زیر را با متن نسخه مصحح ما مقایسه کرد:

عاشق و رندم و خراباتی	فارغ از زاهد مناجاتی
در شهود کمال حسن ازل	کل شیء آراه مرآت‌ی
کل وقت اری مُحِیَّاه	لیس إلّا أعزّ أوقات‌ی
کل حال اذوق بلواه	لیس إلّا أجَلّ حالات‌ی
در خرابات عاشقان شب و روز	من و آن دلبر خراباتی
جرعه‌ای می‌کشیم و می‌کوشیم	فی طریق الهوی کما یأتی
با خراباتیان نشین جامی	بگسل از صوفیان طاماتی ^۱

و با جرأت می‌توان گفت که جامی در تمام کتابهای خود بویژه أشعة اللمعات، الدرّة الفاخرة، شرح فصوص الحکم، نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص، لوايح، شرح رباعیات در وحدت وجود، دیوان، مثنوی هفت اورنگ و بویژه در سلسله الذهب، تحفة الاحرار، سبحة الأبرار، یوسف وزلیخا و لیلی و مجنون تحت تأثیر افکار و اندیشه ابن فارض قرار گرفته و در موارد بسیار از واژگان دیوان او در شعر خود بهره برده است. به عنوان نمونه ابیات زیر را از نظر خوانندگان ارجمند می‌گذرانیم:

شَرِبْنَا عَلَى ذِكْرِ الْحَبِيبِ مُدَامَةً سَكِرْنَا بِهَا، مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْلَقَ الْكَرَمُ^۲

ابن فارض

بودم آن روز در این می‌کده از دُرْد کشان که نه از تاک نشان بود و نه از تاک نشان^۳

جامی

شَرِبْنَا عَلَى ذِكْرِ الْحَبِيبِ مُدَامَةً سَكِرْنَا بِهَا، مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْلَقَ الْكَرَمُ^۴

ابن فارض

۱. دیوان جامی، ص ۷۲۶.

۲. دیوان ابن الفارض، خمیره، ص ۱۸۹، بیت اول (مطلع).

۳. دیوان جامی، ص ۵۹۱.

۴. دیوان ابن الفارض، خمیره، ص ۱۸۹، بیت اول (مطلع).

طعن میخواری جامی چه زنی کو ز ازل	بی می و میکده از عشق تو مست آمده است ^۱
لها البدرُ كأسٌ، وَهِيَ شَمْسٌ يُدِيرُهَا	هِلالٌ، وَكَمْ يَبْدُو إِذَا مُزِجَتْ نَجْمٌ ^۲
ها لال الکأس لم تکمل بشمس الراح کملها	که گردد، چون شود پر، این مه نو، بدر محفلها ^۳
لها البدرُ كأسٌ، وَهِيَ شَمْسٌ يُدِيرُهَا	هِلالٌ، وَكَمْ يَبْدُو إِذَا مُزِجَتْ نَجْمٌ ^۴
ماه نوساغر، آفتاب می است	ماه نو ز آفتاب پر گردد ^۵
لها البدرُ كأسٌ وَهِيَ شَمْسٌ يُدِيرُهَا	هِلالٌ، وَكَمْ يَبْدُو إِذَا مُزِجَتْ نَجْمٌ ^۶
سَقَتْنِي حُمَيَّا الْحُبِّ رَاحَةً مُقَلَّتِي	وَكَأْسِي مُحَيَّا مَنْ عَنِ الْحُسْنِ جَلَّتِ ^۷
ساغر از دور عارضش کردیم	باده خوردیم و این ترانه زدیم ^۸
که می عشق را تویی ساقی	کأسه شمس وجهک الباقی ^۹
سَقَتْنِي حُمَيَّا الْحُبِّ رَاحَةً مُقَلَّتِي	وَكَأْسِي مُحَيَّا مَنْ عَنِ الْحُسْنِ جَلَّتِ ^{۱۰}

۱. دیوان جامی، ص ۲۵۳. ۲. دیوان ابن الفارض، خمیره، ص ۱۸۹، بیت دوم.

۳. دیوان جامی، ص ۱۴۷. ۴. دیوان ابن الفارض، خمیره، ص ۱۸۹، بیت دوم.

۵. دیوان جامی، ص ۳۷۰. ۶. دیوان ابن الفارض، ص ۱۸۹، بیت دوم.

۷. دیوان ابن الفارض، ص ۱۸۹، بیت دوم. ۸. ۹- دیوان جامی، ص ۱۰۰.

۱۰. دیوان ابن الفارض، تائیه کبری، ص ۸۳، بیت اول، (مطلع).

شد در قدح صهبا عکسی زرخت پیدا	قد اشرق الدنيا من كأس حمانا ^۱
وقالوا: شَرِبْتَ الْإِثْمَ! كَلَّا وَإِنَّمَا	شَرِبْتُ الَّتِي فِي تَرْكِهَا عِنْدِي الْإِثْمُ ^۲
می به فتوای شرع گشته حرام	وز كف او حلال می بینم ^۳
وَعَنْ مَذْهَبِي فِي الْحُبِّ مَالِي مَذْهَبٌ	وَإِنْ مِلْتُ يَوْمًا عَنْهُ فَارَقْتُ مِلَّتِي ^۴
زهفتاد ودوملت کرد جامی رو به عشق تو	بلی عاشق ندارد مذهبی جز ترک مذهبا ^۵
وَعَنْ مَذْهَبِي فِي الْحُبِّ مَالِي مَذْهَبٌ	وَإِنْ مِلْتُ يَوْمًا عَنْهُ فَارَقْتُ مِلَّتِي ^۶
دین ما عشق است ای زاهد مگو بیهوده پند	ما به ترک دین خود گفتن نخواهیم از گزاف ^۷
بِهَا لَمْ يُبْحَ مَنْ لَمْ يُبْحَ دَمَهُ، وَفِي الْا	إِشَارَةِ مَعْنَى مَا الْعِبَارَةُ غَطَّتْ
وَعَنِّي بِالتَّلْوِيحِ يَفْهَمُ ذَائِقُ	غَنِيٌّ عَنِ التَّصْرِيحِ لِلْمُتَعَتِّ ^۸
راز پنهان به که بر دار بلا حلاج را	آن همه رسوایی از یک نکته نهفته شد ^۹

۲. دیوان ابن الفارض، ص ۱۹۱، بیت ۳۳.

۴. دیوان ابن الفارض، ص ۹۱، بیت ۶۴.

۶. دیوان ابن الفارض، ص ۹۱، بیت ۶۴.

۸. دیوان ابن الفارض، ص ۱۲۹، بیت ۲۹۵، ۲۹۶.

۱. دیوان جامی، ص ۱۳۷.

۳. دیوان جامی، ص ۱۰۱.

۵. دیوان جامی، ص ۱۳۸.

۷. دیوان جامی، ص ۱۳۸.

۹. دیوان جامی، ص ۳۴۴.

جامی اسرار مکن فاش که در مذهب قوم همه دانند کز افشای چنین معنی رفت	نه زبان محرم این راز نماید نه قلم صاحب قول انا الحق به سر دار ستم ^۱
مَتَى حِلْتُ عَنْ قَوْلِي: أَنَا هِيَ، أَوْ أَقْلُ و كَيْفَ؟ وَبِاسْمِ الْحَقِّ ظَلَّ تَحَقُّقِي	جامی - وَحَاشَا هُدَاهَا - إِنَّهَا فِي حِلَّتِ تَكُونُ أَرَاخِيفُ الضَّلَالِ مُخِيفَتِي ^۲
بلکه من اویم و او من به مثل گرچه کشد	مدعی بر رخ ایمان من از کفر رقم ^۳
وَمَا حَلَّ بِي مِنْ مِحْنَةٍ فَهِيَ مِئْنَةٌ فَكُلُّ أَذَى فِي الْحُبِّ مِنْكَ إِذَا بَدَا	جامی وَقَدْ سَلِمْتُ، مِنْ حَلِّ عَقْدٍ، عَزِيمَتِي جَعَلْتُ لَهُ شُكْرِي مَكَانَ شَكِيمَتِي ^۴
به هر بلا که رسد از تو غیر شکر نگویم	ابن فارض مرا عطاست بلایی که از برای تو افتد ^۵
وَعُنْوَانُ شَأْنِي مَا ابْثُكْ بَعْضُهُ	جامی وَمَا تَحْتَهُ إِظْهَارُهُ فَوْقَ قُدْرَتِي ^۶
	ابن فارض

دل من نامه درد است و عنوان چهره پر خون

اگر مضمون نمی خوانی نظر در نقش عنوان کن^۷

جامی

۱. دیوان جامی، ص ۵۷۷.
۲. دیوان ابن الفارض، ص ۱۱۶، بیت ۲۷۷، ۲۷۹.
۳. دیوان جامی، ص ۵۷۷.
۴. دیوان ابن الفارض، ص ۸۹، بیت ۴۶، ۴۷.
۵. دیوان جامی، ص ۸۸، بیت ۳۴.
۶. دیوان ابن الفارض، ص ۸۸، بیت ۳۴.
۷. دیوان جامی، ص ۶۲۲.